

دریچه

پسرهای ننه عبدالله

بخش‌هایی از کتاب خاطرات یکی از یاران محمد جهان‌آرا

نام محمد نورانی با مقاومت خرمشهر گره خورده و اسم او همیشه کنار محمد جهان‌آرا، سیدعبدالرضا موسوی، صالح موسوی، احمد فروزنده و دیگر مدافعان خرمشهر می‌آید. در ماجراهای مقاومت و آزادی خرمشهر، علاوه بر محمد نورانی، چهار برادر دیگرش عبدالله، غلامرضا، محمود و عبدالرسول چهارده‌ساله هم بودند. همچنین مادرشان (ننه‌عبدالله) به‌جز مدت کوتاه مهاجرت به شیراز، به آبادان بازگشته و دیگر از صحنه جنگ دور نشده بود. او می‌خواست نزدیک پسرهایش باشد. پسرانی که هرکدام سرنوشتی در جنگ داشتند؛ عبدالرسول و غلامرضا شهید شدند و سه برادر دیگر، جانباز کتاب «پسرهای ننه عبدالله» عنوان کتاب خاطرات «محمد نورانی» از یاران شهید محمد جهان‌آرا بود که روزهای سقوط، مقاومت و آزادی خرمشهر را در این کتاب روایت می‌کند. این اثر حاصل حدود ۴۰ ساعت مصاحبه با «محمد نورانی» است که خاطرات او از تولد تا آزادی خرمشهر را در برمی‌گیرد. فصلی از این کتاب هم به سرگذشتی گذرا تا پایان و پس از جنگ اختصاص دارد. آنچه در ادامه می‌خوانید، بخشی از این کتاب است که به تازگی منتشر شده.

چرازودترفتی؟

گفت: «خبر جدید از عبدالرسول نداری؟»
گفتم: «نه چیزی شده؟»
مکت کرد گفت: «ظاهرأ زخمی شده.» پرسیدم: «کجاست؟»
گفت: «بیمارستان طالقانی» رفتم بیمارستان پرستاری آنجا بود پرسیدم: «زخمی دارید؟»
گفت: «نه زخمی نداریم.»
گفتم «یک ساعت پیش زخمی نیاوردند؟»
گفت: «جوانی را آوردند که شهید شده بود.»
پرسیدم: «الان کجاست؟»
گفت: «سردخانه!» خواهش کردم در سردخانه راباز کرد. دیدم عبدالرسول است. نشستم، او را بوسیدم. از او گلابی کردم؛ رسول بی‌معرفت! چرازودترفتی؟

آرامش کنار آرامگاه

خانواده خبردار شدند و آمدند. الان پس از چهل سال، هنوز داغ رسول دلم مانده است. شهادت رسول برای ما ناگهانی بود. مادرم در مراسم شهادت رسول سه بار طوری بی‌هوش شد که فکر کردیم تمام کرده؛ به سختی به هوش می‌آمد. مادرم بچه‌هایش را غیر عادی دوست داشت. عاطفی بود. همه زندگی‌اش بچه‌هایش بودند. شهادت رسول بعد از شهادت غلامرضا ضربه سنگینی بر او وارد کرد. یکی دو سال حالت افسردگی داشت. می‌رفت سر قبر رسول می‌گفت: «رسول مرا هم با خودت ببر. بعد از تو دیگر نمی‌خواهم زنده باشم.» گرمای ظهر از خانه بیرون می‌رفت تا تاریکی هوا کنار قبر رسول می‌نشست.

فقط برای امام حسین (ع) گریست

او عزیز دُردانده خانه ما بود. اگر می‌ماند شخصیت بزرگی می‌شد. پدرم غصه‌هایش را بروز نمی‌داد. کم‌حرف و تودار بود. ندیدم برای شهادت رسول گریه کند. بغض می‌کرد. فقط می‌گفت انا لله و انا الیه راجعون… باباجاجی (پدربزرگ) هم همین‌طور بود. ندیدم برای شهادت غلامرضا گریه کند. یک بار برای شهادت رسول گریه کرد، اما برای امام حسین (ع) به شدت گریه می‌کرد؛ طوری که شانه‌هایش می‌لرزید. پدر هم برای ائمه خیلی گریه می‌کرد ولی در مصیبت‌های دنیا تحملش خوب بود.

هم رفیق بود، هم فرمانده

شهادت سید عبدالرضا موسوی (رضا موسوی) هم به همین شکل بود. خانواده رضا از تهران سر قبر رضا می‌آمدند و می‌رفتند. مدتی که در خرمشهر بودند، چند روزی به خانه ما هم می‌آمدند. چهلم رسول که گذشت، خواهر رضا با پدر و مادرشان منزل ما بودند. خانم شهید عبدالرضا موسوی به خواهرم پیشنهاد داده بود که خواهر رضا دختر خوبی است؛ اگر بشود برای حاج محمد صحبتی کنیم. خواهرم این موضوع را با من در میان گذاشت. گفتم الان با وجود جنگ در شرایط ازدواج نیستم. یکی دو بار دیگر گفت. جواب

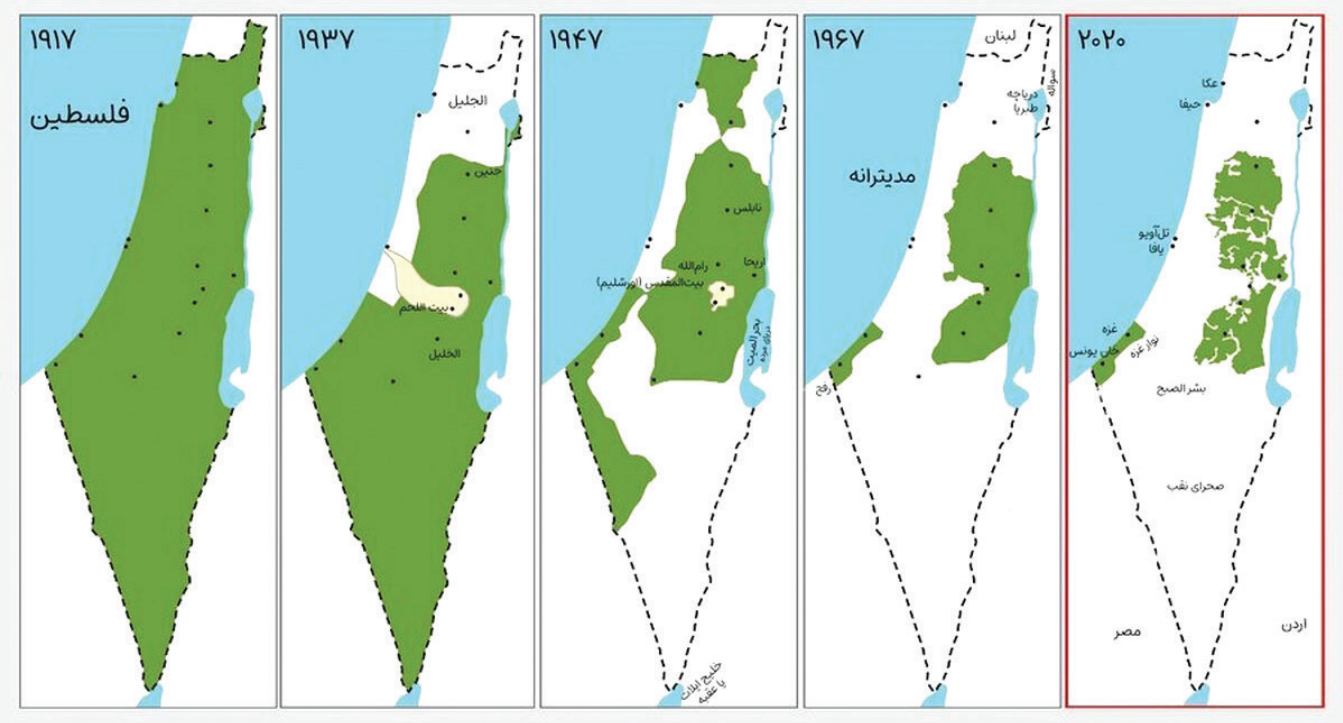
رد دادم، تا اینکه گفت «ننه بابت رسول خیلی آسیب دیده، الان تنها چیزی که خوشحالی‌ش می‌کند این است که ازدواج کنی.» مادرم رضا را دوست داشت. این حرف به من اثر گذاشت. گفتم: «باشد صحبت کنیم.» آن شب با خواهر رضا در حیاط قدم زدیم و صحبت کردیم. گفتم: «رضا، هم رفیقم، هم فرمانده‌ام بود.»

حاضرم جانم را بدهم

آن روزها در ذهنم بود که اگر این جنگ تمام شد، باید برای مبارزه در سرتاسر جهان آماده باشم. پرسیدم: «اگر شما ازدواج کنید و شوهرتان بخواهد برود آفریقا مبارزه کند حاضرید بروید؟»
گفت: «هرجایی که همسرم برود با او می‌روم.»
گفتم: «زندگی ما دست خودمان نیست؛ اگر ازدواج کنیم ممکن است چهار روز بعدش خبر شهادت مرا بیاورند. تحمل دارید؟» آره یا نه نگفت؛ گفتم: «شما همه‌اش از شهادت و مردن می‌گویید، کمی هم از امید و زندگی بگوئید.»
گفتم: «به هر حال اینها واقعیت‌های زندگی ماست. زندگی با یک پاسدار همین است. خواستم آمادگی داشته باشید.»
گفت: «پس از شهادت رضا، حاضرم جانم را در این راه بدهم.»
ایشان به تنها چیزی که فکر می‌کرد ازدواج با یک پاسدار بود که هم‌رمز برادرش باشد. یک جلسه دیگر هم صحبت کردیم. احساس کردیم تفاهمی وجود دارد. پدر و مادرشان گفتند می‌روند و خبر می‌دهند.

ازدواجی با لباس خاکی

از ازدواج می‌ترسیدم. عشق به شهادت تمام ذهنم را گرفته بود. شاید عشق به شهادت بیشتر از عشق به زندگی یا ابراز عشق به یک خانم بود. تردیدم در این بود که شهید می‌شوم و یک بنده خدایی را هم با مشکل مواجه می‌کنم. از طرفی محمد جهان‌آرا بین بچه‌ها جا انداخته بود که باید زندگی در جنگ را تجربه کنید. چند نوبت هم تلفنی صحبت کردیم. آخرین بار برای اینکه تردیدها برطرف شود گفتم: «شما تهران هستید، به بیت امام دسترسی دارید، یک استخاره بگیر.»
ایشان دو روز بعد تماس گرفت گفت: «زنگ زدم دفتر امام استخاره گرفتم. گفتند خوب است.»
قرار ازدواج گذاشتیم. مادر و پدرم به مشهد رفته بودند. با خواهرم هماهنگ کردیم آنها از مشهد به تهران بروند. من و عبدالله و محمود هم از آبادان برویم. هیچ چیز از مراسم ازدواج نمی‌دانستم. با همان لباس خاکی آماده حرکت بودم.



ترفند تازه نتانیا‌هو

← **سفير جديد رژيم صهيونيستي در آمريكا كيست و چه مأموريتي دارد؟**

[شهرvand] تاریخ اشغالگری رژیم صهیونیستی تا امروز مقاطع تاریکی را طی کرده است. اگر بخواهیم نگاهی گذرا به این اشغالگری داشته باشیم باید به سال ۱۹۴۸ برگردیم که به «یوم النکبه» (روز فاجعه) معروف شد. روزی که قیومیت کشور بریتانیا بر فلسطین به پایان رسید و کشور جعلی اسرائیل با بیرون راندن صدها هزار فلسطینی و آواره شدن آن‌ها پایه‌گذاری شد. پیامدهای همین روز نخس بود که بعدها در سال ۱۹۶۷ به جنگ شش روزه انجامید؛ جنگی که نتایج فاجعه‌باری به دنبال داشت. در این جنگ، اسرائیل سه ارتش عربی را شکست داد، چهار برابر مساحت اصلی خود را به تصرف درآورد و همچنین ساختارهای سیاسی نظامی خود را با قدرتی تازه‌تر به سمت اشغال‌گری پیش برد. هرچند هم‌زمان با این اشغال‌گری، مقاومت‌های مردمی علیه اشغال‌گری شکل می‌گرفت و پیش می‌رفت. با این حال اسرائیل به دلیل برخورداری از پشتوانه‌های سنگین حمایتی آمریکا و غرب، همچنان بر مواضع اشغال‌گری و توسعه‌طلبی خود استوار بود. سازشکاری‌های برخی کشورهای عربی نیز در این میان، تأثیر بسیار مهمی بر مواضع اسرائیل داشت. از جمله عادی‌سازی روابطی که اسرائیل در طول تاریخ خود بارها با کشورهای مختلف عربی پایه‌گذاری کرد؛ از مصر و اردن گرفته تا کشورهای دیگر عرب‌زبان. این طرح همچنان ادامه داشت تا اینکه در سال ۲۰۲۰ به «پیمان ابراهیم» منجر شد؛ توافقی که اسرائیل برای محکم کردن پایه‌های خود، طی آن می‌خواست به عادی‌سازی روابط با امارات متحده عربی، بحرین، سودان و مراکش برسد. علاوه بر این قرار بود تعداد زیادی از اعضای اتحادیه عرب، روابط نیمه‌رسمی خود با اسرائیل را برقرار کنند تا در آینده این روابط به ارتباطات رسمی تبدیل شود. این پیمان از آن جهت مهم بود که رژیم صهیونیستی می‌توانست با خیالی آسوده مناطق اشغالی باقیمانده فلسطینیان را نیز از روی نقشه محو کند. در واقع با این مقدمه می‌توان دریافت چرا عملیات «طوفان الأقصى» شکل گرفت تا ترفند اسرائیل را نقش بر آب کند. چراکه عادی‌سازی روابط با اسرائیل علناً نادیده گرفتن فلسطین و فراموش کردن تمام تاریخ اشغال‌گری اسرائیل بود. حالا نتانیا‌هو با توجه به تغییر ریاست جمهوری در آمریکا، در تلاش است تغییراتی را در دولت خود مد نظر قرار بدهد تا بتواند از این رهگذر به احیای «پیمان ابراهیم» برسد. هم‌زمان نیز تلاش دارد با انتخاب چهره‌هایی کاملاً افراطی، به طرح الحاق کرانه باختری به اسرائیل برسد. به همین منظور است که سفير خود در واشنگتن را عوض می‌کند تا با مأموریتی ویژه به آمریکا برود. آنچه در ادامه می‌خوانید نگاهی است به این مأموریت این مأمور ویژه.

یک سفير شهرک نشين

هفته گذشته، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی معاون سابق خود، یحییئیل لیتر که یک شهرک‌نشین صهیونیست است را به عنوان سفير این رژیم در واشنگتن تعیین کرد. لیتر به جای مایک هرتزوک که ماموریتش رسماً در ژانویه آتی پایان می‌یابد، تعیین شده است. هم‌زمان با بازگشت دونالد ترامپ، رئیس جمهور جدید آمریکا به کاخ سفید، لیتر نیز تصدی پست خود را بر عهده خواهد گرفت. لیتر در ایالات متحده متولد شده و در حال حاضر از ساکنان شهرک صهیونیست‌نشین عیلي راست‌گرای تندرو و حمایتش از شهرک‌سازی‌های صهیونیستی در کرانه باختری معروف است. همچنین فردی است که در بستر جناح راست افراطی رژیم صهیونیستی بزرگ شده است.

صهيونيست افراطي

لیتر فعالیت‌های خود را در «اتحادیه دفاع یهودی» آغاز کرد که مدیریت آن با منیر کاهنا بود. اتحادیه دفاع یهودی (IDL) که در ایالات متحده یک سازمان تروریستی اعلام شده. اتحادیه دفاع یهودی، یک سازمان مذهبی،سیاسی و نظامی ستیزه‌جوی یهودی است که هدف آن «حفاظت از یهودیان در برابر یهودستیزی به هر شیوهٔ ممکن» ذکر شده است. در نهایت، اف‌بی‌آی در ۲۰۰۱این اتحادیه را یک‌گروه تروریستی دست راستی طبقه‌بندی کرد. به گزارش اف‌بی‌آی این سازمان در طراحی و انجام اقدامات تروریستی در ایالات متحده نقش داشته است. فعالیت یحییئیل لیتر در چنین تشکیلاتی، برای اینکه مشخص شود او به چه اندازه یک صهیونیست افراطی است، کافی است.

طرح الحاق کرانه باختری به اسرائیل

اینکه هم‌زمان با روی کار آمدن دونالد ترامپ، چنین صهیونیست افراطی سفير رژیم صهیونیستی در آمریکا میشود، نشان‌دهنده این است که نتانیا‌هو به دنبال اقعاع دونالد ترامپ، رئیس جمهور آینده آمریکا برای انجام کاری بزرگ در جهت منافع رژیم صهیونیستی است که تنها چنین شخصی (یحییئیل لیتر) از پس آن برمی‌آید. پاسخ این سوال، در چیزی است که یحییئیل لیتر در سرزمین‌های اشغالی به آن شهرت داشته و برای آن حتی کتابی را نیز چاپ کرده است. یحییئیل لیتر در سال ۲۰۲۰ کتابی با عنوان «حاکمیت اسرائیل بر یهودیه و شمرن و دره اردن» چاپ کرد. او در این کتاب، به این مسأله پرداخت که اهمیت، معنا، راه و مبنای قانونی اعمال قوانین اسرائیل در یهودیه، سامره و دره اردن (کرانه باختری) چیست. همین مسئله کافیتست که متوجه شویم، بنیامین

نتانیا‌هو به یحییئیل لیتر به عنوان سفير این رژیم در آمریکا، چه مأموریتی را واگذار کرده است. در واقع یحییئیل لیتر به آمریکای‌می‌رود تا با اربزنی واقفان دولت بعدی آمریکا و شخص ترامپ، طرح الحاق کرانه باختری به حاکمیت رژیم صهیونیستی را نهایی کند. پیشتر البته بتسلئیل اسموتریچ، وزیر دارایی رژیم صهیونیستی نیز گفته بود: «دستوراتی را برای مقدمه‌چینی جهت «بسط حاکمیت» بر کرانه باختری صادر شده. دوره جدید ریاست جمهوری دونالد ترامپ، زمان اعمال «حاکمیت» اسرائیل بر کرانه باختری است. سال ۲۰۲۵ سال اعمال «حاکمیت» بر کرانه باختری است.» او همچنین تأکید کرده بود: «امیدوارم که دولت ترامپ تحرکات اسرائیل برای اعمال حاکمیت بر کرانه باختری در سال ۲۰۲۵ را به رسمیت بشناسد.»

پيشبرد طرحی که مسكوت مانده بود

طبق قوانین بین‌المللی، شهرک‌سازی‌های اسرائیل در اراضی فلسطینی‌ها غیرقانونی است و شورای امنیت در سال ۲۰۱۶ قطعنامه ۲۳۳۴ را تصویب کرد که طبق آن شهرک‌سازی‌های اسرائیل در اراضی فلسطینی‌ها نقض آشکار قوانین بین‌المللی به‌شمار می‌رود؛ اما رژیم صهیونیستی طبق معمول به هیچ یک از قطعنامه‌ها توجهی ندارد. مسئله الحاق کرانه باختری به اراضی تحت اشغال و سیطره صهیونیست‌ها، در دوره اول ریاست جمهوری دونالد ترامپ، رئیس جمهور منتخب کنونی آمریکا به شکل جدی مطرح شد و اقداماتی هم به کمک رژیم‌های سازش‌کار عربی در این زمینه انجام گرفت. البته به علت یک‌دوره‌ای شدن ترامپ و تحولات دیگر، این طرح به طبق مقاصد صهیونیست‌ها پیش نرفت. بعد از آن با به قدرت رسیدن جو بایدن و ژست صلح‌طلب دروغینی که او و دولتش از خود نشان دادند، این طرح تا به امروز مسکوت ماند. اما به نظر می‌رسد که بنیامین نتانیا‌هو و کابینه‌اش در تلاش هستند تا از همان ساعت‌اول بازگشت ترامپ به کاخ سفید، از این فرصت استفاده کرده و طرح الحاق کرانه باختری به حاکمیت رژیم صهیونیستی را در دستور کار قرار دهند.

رسانه‌ها هم از طرح الحاق می‌گویند

روزنامه اسرائیل هیوم نیز هفته گذشته در تیتز صفحه‌نخست به این مسئله اشاره کرد. این روزنامه در تیتز نخست خود نوشت: «مسئله حاکمیت در کرانه باختری دوباره در دستور کار قرار گرفته است. دولت نتانیا‌هو برای اینکه دولت بایدن را ناراحت نکند، از طرح‌ریزی عمومی مشخص در رابطه با الحاق کرانه باختری به اسرائیل اجتناب کرد. اما بلافاصله پس از روی کار آمدن ترامپ در ژانویه این طرح مجدداً مورد بررسی قرار خواهد گرفت.»